

فهرست مطالب

کاری از گروه مطالعات اجتماعی متوسطه ۱ - منطقه ۴

سال تحصیلی : ۹۳-۹۲

بخش آموزشی

صفحه	عنوان مطلب
۲	آموزش و پرورش و شیوه گفت وگو

بخش تاریخ

صفحه	عنوان مطلب
۴	نقد کتاب « عملیات آژاکس »
۵	آیا می دانید؟
۷	کشف قدیمی ترین نمونه خط در ایران
۸	کاروانسرای قلعه خرگوشی

بخش جغرافیا

صفحه	عنوان مطلب
۱۱	آب در آموزه های قرآنی
۱۶	باران اسیدی
۱۸	رابطه متقابل بیابانزایی، تغییر اقلیم جهانی و تنوع زیستی
۱۹	توزیع جغرافیایی آتشفشانها

بخش اجتماعی

صفحه	عنوان مطلب
۲۲	تحولات جمعیتی ایران ؛ اقدامات و نتایج
۲۶	همه مصائب تک بودن
۲۸	معرفی کتاب : حقوق و وظایف متقابل شهروندان و دولتمردان

حضرت آیت الله خامنه ای (مد ظله العالی) :



اگر قرآن به کشور های اسلامی و میان مسلمانان برگردد ، و تلاوت شده و مورد عمل قرار گیرد، بی شک برکات همه جانبه و بی پایان آن به زودی ریشه همه نابسامانی ها را قطع کرده و کمال انسانی و اشراق الهی را بر زمین مسکن می سازد. و این مستلزم مطرح کردن قرآن و آموختن آن و تلاش و مجاهدتی بی پایان برای حاکمیت آن جوامع است.

سخن سردبیر

آموزش و پرورش، به طور مستقیم در تحول و پیشرفت دیگر نهادهای اجتماعی نقش بنیادی و زمینه ساز دارد. از این رو، ضعف یا قوت این نهاد، در نهایت به ضعف یا پیشرفت دیگر نهادهای اجتماعی می انجامد. برای سازندگی، هیچ راهی مناسب تر از توجه عمیق به امر تعلیم و تربیت نیست. سرمایه گذاری در مورد انسان، به معنای سرمایه گذاری روی مولد فناوری است که چنانچه در این امر مهم تدابیر لازم اندیشیده شود، به خود کفایی و فناوری نوین خواهیم رسید.

امام علی علیه السلام نیز فرموده است: « به درستی که دانش، سبب زنده کردن دل ها از نادانی، روشنایی بخشیدن چشم ها از کوری جهالت، و توان بخشیدن بدن ها از ضعف است»

آموزش و پرورش و شیوه گفت و گو

اداره کلاس درس به روش گفت و گو می تواند انگیزه دانش آموز را برای توجه به مباحث افزایش دهد سقراط، فیلسوف شهیر یونان باستان، از معدود فیلسوفانی است که روش فلسفه خود را به شکل دیالوگ یا همان گفت و گو پیش می برد. روش سقراط بسیار معروف است و تا امروز نیز توجه بسیاری از متفکران را در حوزه های مختلف - از جمله سیاست، آموزش و پرورش و... به خود جلب کرده است، اما این روش چیست؟ سقراط فیلسوفی مکتبی نبوده است به این معنا که چنین نبوده است که دارای شاگردانی باشد که هر روز سر جلسه درس او حاضر شوند و این جلسات محل خاصی با عنوان مدرسه یا آکادمی داشته باشد؛ بلکه سقراط، فیلسوف کوچه و بازار بوده است. او درون شهر و بین مردم قدم می زد و به فراخور موقعیت، هرگاه فردی را آماده بحث درباره مسائلی چون فضیلت، هنر، زیبایی و معرفت می دید، به بحث با او می پرداخت. اما معروف است سقراط ابتدا هیچ گاه موضع خود را بیان نمی کرده، بلکه از مخاطبان خود سوال می کرده و موضع آنها را در باره مساله مورد بحث جویا می شده است، سپس سعی می کرده با توجه به پاسخ مخاطبان، از آنها نتیجه گیری کند که خود مخاطبان با آن نتیجه گیری قدم به قدم همراه می شدند و می پذیرفته اند این نتایج که سقراط به آنها اشاره می کند ، واقعا از پاسخ اولیه ای که به پرسش سقراط داده بودند، حاصل می شود . سپس سقراط به مخاطبان خود نشان می داده این نتایج تناقض آمیز است و بنابراین پاسخ ابتدایی مخاطبان سقراط باید اصلاح شود؛ به گونه ای که به نتایج متناقض و غیرقابل دفاع نینجامد. این روش به همین شکل ادامه می یافته تا مخاطبان در نهایت معترف شوند پاسخ اولی که به پرسش سقراط می دادند ، کاملا نادرست بوده و بسیاری از آنها معترف می شدند پیش از بحث با سقراط فکر می کردند که چیزی از این موضوع می دانند، ولی هم اکنون می دانند اصلا چیزی درباره موضوع مورد بحث نمی دانند.



بنابراین سقراط هیچ گاه موضع فلسفه خود را به مخاطبانش دیکته نمی کرده؛ بلکه ابتدا گوش شنوایی داشته برای پاسخ مخاطبانش. کار مهم او این بوده که ابتدا به مخاطبانش نشان دهد موضعی که در قبال مساله مورد بحث دارند، موضع صحیحی نیست.

امروزه متفکران مختلف معترفند روش سقراط بیش از پاسخ های نهایی او به مسائل مورد بحثش اهمیت دارد. او به افراد می آموزد، برای این که دیدگاه خود را به دیگران انتقال دهند، ابتدا باید شنونده خوبی برای دیدگاه مخاطبان باشند. اگر فردی در باره موضوعی موضعی دارد و می خواهد آن را نزد دیگران موجه جلوه دهد، باید ابتدا حداقل به دلیل ملاحظات روان شناختی نشان دهد که نمی خواهد این موضع را به مخاطب خود دیکته و او را به پذیرش وادار کند.

یکی از زمینه هایی که روش سقراطی در آن بسیار کارایی دارد، آموزش و پرورش است. آموزش و پرورش به شکل سنتی در قالب دیکته کردن مباحث از سوی معلم به دانش آموزان صورت می گیرد، اما امروز متخصصان حوزه آموزش و پرورش معترفند این روش به لحاظ روان شناختی نقص های بسیاری دارد. روش گفت و گوی سقراطی می تواند دانش آموزان را به مباحث کلاس درس بسیار مشتاق کند؛ چراکه عقل و دانش و تفکر دانش آموزان را محترم می شمارد و از آنها می خواهد وارد بازی و بحث شوند و نظر خود را درباره موضوع درس اعلام کنند. فرصت دادن به دانش آموزان برای اندیشیدن به موضوع و سپس اصلاح این اندیشه ها از سوی معلم، تاثیر پایداری بر یادگیری موضوعات خواهد داشت.

در گفت و گوهای سقراط، مخاطبان در جریان مباحث نقش فعال دارند. آنها با پاسخ های خود به پرسش سقراط، گفت و گو را جهت دهی می کنند. اعمال این روش در کلاس های درس نیز می تواند به دانش آموز، نقش موثری در پیش بردن مباحث کلاس بدهد. وقتی دانش آموز احساس می کند صرفا شنونده نیست؛ بلکه می تواند با حضور خود در مباحث، کلاس درس را جهت دهی کند،

انگیزه بیشتری برای توجه به مباحث معلم خواهد داشت. از سوی دیگر در بین دانش آموزان، رقابتی برای تاثیرگذاری بیشتر ایجاد خواهد شد و به این شکل، کلاس درس از رابطه یکطرفه معلم و شاگرد به شبکه ای از روابط معلم و شاگردان بدل می شود، اما این شبکه روابط به هرج و مرج نمی انجامد؛ چراکه گفت و گوی سقراطی بر محور درست شنیدن و تحلیل کردن سخنان «دیگری» پیش می رود.



نقد کتاب « عملیات آژاکس »

« عملیات آژاکس » عنوان کتابی است که در سال ۱۳۸۲ وارد بازار نشر کشور شده است. این کتاب که به بررسی اسناد مداخلات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اختصاص دارد، توسط ابوالقاسم راه‌چمنی ترجمه شده و مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی معاصر ایران آن را منتشر کرده است. در بخش ترجمه، فصل‌بندی و دسته‌بندی اسناد با توجه به موضوع براندازی دولت مصدق صورت گرفته و بخش پژوهش به نقد و بررسی محورهای عمده‌ای چون نقش حزب توده، مطبوعات، اوباش، نظامیان، روحانیت، افکار عمومی در عملیات براندازی اختصاص دارد.

دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران طی نقدی در ارتباط با این کتاب می‌نویسد :

«عملیات آژاکس» عنوانی است که از سوی طراحان کودتای ۲۸ مرداد برای سلسله برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات منتهی به این واقعه تلخ انتخاب شد. نتیجه این عملیات که پس از سرکوب شدید مردم به استقرار مجدد حکومت وابسته و استبدادی پهلوی انجامید تضمین‌کننده منافع بیکران اقتصادی و سیاسی آمریکا و انگلیس در ایران طی یک دوره ۲۵ ساله بود .

هرچند در مورد نقش آمریکا و انگلیس در طراحی و اجرای این کودتای سیاه، جای هیچ شک و شبهه‌ای باقی نمانده و از آن تاریخ تاکنون در این باره بسیار سخن گفته شده است، اما اسناد انتشار یافته درباره این واقعه توسط سیا در سال ۲۰۰۰ میلادی، جزئیات بسیاری را در این باره بازگو کرده است. خوشبختانه گردآوری این اسناد در کتاب «عملیات آژاکس» امکان مطالعه و بررسی بهتر این مقطع از تاریخ کشورمان را بخوبی فراهم آورده است.

کتاب «عملیات آژاکس» شامل دو بخش کلی است؛ در بخش اول اسناد «سیا» درباره کودتای ۲۸ مرداد در پنج فصل تنظیم و ارائه شده است. در فصل نخست طرح مقدماتی عملیات آژاکس، در فصل دوم طرح اجرایی این عملیات و در سومین فصل، گزارش «دونالد ن. ویلبر» را که خود مستقیماً در برنامه‌ریزی و اجرای این طرح مشارکت داشته است می‌خوانیم. این گزارش در سال ۱۹۵۴م. توسط وی نوشته و به مقامات سیا ارائه شد تا ضمن ثبت تجربیات آمریکا در طراحی برنامه‌های کودتا، امکان بهره‌برداری از آنها در عملیات مشابه نیز فراهم آید. در فصل چهارم و پنجم از این بخش نیز می‌توان به ترتیب اسناد مربوط به طراحی بُعد نظامی عملیات و ارزیابی نظامی عملیات را مورد مطالعه قرار داد. در بخش دوم از این کتاب تجزیه و تحلیلی از وقایع مربوط به کودتای ۲۸ مرداد با توجه به اسناد انتشار یافته از سوی سیا آمده است که می‌تواند روشنگر برخی از مسائل باشد .



آیا می دانید ؟

داریوش کبیر طرح تعلیمات عمومی و سوادآموزی را اجباری و به صورت کاملاً رایگان بنیان گذاشت که به موجب آن همه مردم می بایست خواندن و نوشتن بدانند که به همین مناسبت خط آرامی یا فنیقی را جایگزین خط میخی کرد که بعدها خط پهلوی نام گرفت .

(داریوش به حق متعلق به زمان خود نبود و ۲۰۰۰ سال جلو تر از خود می اندیشید.)

داریوش در پایتخت و زمستان ۵۱۸ - ۵۱۹ قبل از میلاد نقشه ساخت پرسپولیس را طراحی کرد و با الهام گرفتن از اهرام مصر نقشه آن را با کمک چندین تن از معماران مصری بروی کاغذ آورد .

داریوش بعد از تصرف بابل ۲۵ هزار یهودی برده را که در آن شهر بر زیر یوق بردگی شاه بابل بودند آزاد کرد .

کلمه شاهراه از راهی که کورش کبیر بین سارد پایتخت کارون و پاسارگاد احداث کرد گرفته شده است . کورش کبیر در شوروی سابق شهری ساخت به نام کورپولیس که خجند امروزی نام دارد .

کورش پس از فتح بابل به معبد مردوک رفت و برای ابراز محبت به بابلی ها به خدای آنان احترام گذاشت و در همان معبد که بیش از ۱۰۰۰ متر بلندی داشت برای اثبات حسن نیت خود به آنان تاج گذاری کرد .

اولین هنرستان فنی و حرفه ای در ایران توسط کورش کبیر در شوش جهت تعلیم فن و هنر ساخته شد .

دیوار چین با بهره گیری از دیواری که کورش در شمال ایران در سال ۵۴۴ قبل از میلاد برای جلوگیری از تهاجم اقوام شمالی ساخت ، ساخته شد .

اولین سیستم استخدام دولتی به صورت لشگری و کشوری به مدت ۴۰ سال خدمت و سپس بازنشستگی و گرفتن مستمری دائم را کورش کبیر در ایران پایه گذاری کرد .

کمبوجبه فرزند کورش بدلیل کشته شدن ۱۲ ایرانی در مصر و اینکه فرعون مصر به جای عذر خواهی از ایرانیان به دشنام دادن و تمسخر پرداخته بود ، با ۲۵۰ هزار سرباز ایرانی در روز ۴۲ از آغاز بهار ۵۲۵ قبل از میلاد به مصر حمله کرد و کل مصر را تصرف کرد و بدلیل آمدن قحطی در مصر مقداری بسیار زیادی غله وارد مصر کرد . اکنون در مصر یک نقاشی دیواری وجود دارد که کمبوجبه را در حال احترام به خدایان مصر نشان میدهد . او به هیچ وجه دین ایران را به آنان تحمیل نکرد و بی احترامی به آنان ننمود .

داریوش کبیر با شور و مشورت تمام بزرگان ایالتهای ایران که در پاسارگاد جمع شده بودند به پادشاهی برگزیده شد و در بهار ۵۲۰ قبل از میلاد تاج شاهنشاهی ایران را بر سر نهاد و برای همین مناسبت ۲ نوع سکه طرح دار با نام داریک (طلا) و سیکو (نقره) را در اختیار مردم قرار داد که بعدها رایج ترین پولهای جهان شد .

داریوش در سال دهم پادشاهی خود شاهراه بزرگ کورش را به اتمام رساند و جاده سراسری آسیا را احداث کرد که از خراسان به مغرب چین میرفت که بعدها جاده ابریشم نام گرفت .

اولین بار پرسپولیس به دستور داریوش کبیر به صورت ماکت ساخته شد تا از بزرگترین کاخ آسیا شبیه سازی شده باشد که فقط ماکت کاخ پرسپولیس ۳ سال طول کشید و کل ساخت کاخ ۶۵ سال به طول انجامید .

داریوش برای ساخت کاخ پرسپولیس که نمایشگاه هنر آسیا بوده ۲۵ هزار کارگر به صورت ۱۰ ساعت در تابستان و ۸ ساعت در زمستان به کار گماشته بود و به هر استادکار هر ۵ روز یکبار یک سکه طلا (داریک) می داده و به هر خانواده از کارگران به غیر از مزد آنها روزانه ۲۵۰ گرم گوشت همراه با روغن - کره - عسل و پنیر می داده است و هر ۱۰ روز یکبار استراحت داشتند

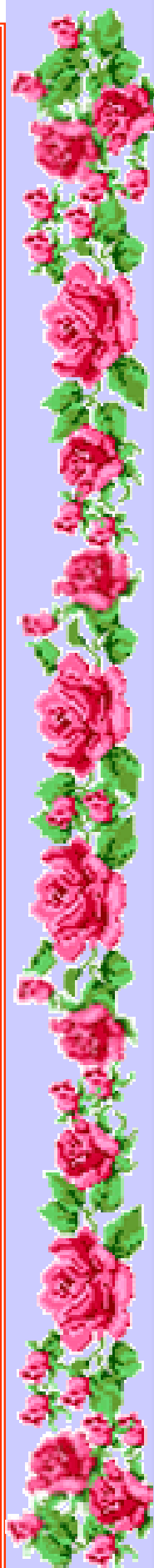
داریوش در هر سال برای ساخت کاخ به کارگران بیش از نیم میلیون طلا مزد می داده است که به گفته مورخان گران ترین کاخ دنیا محسوب میشده . این در حالی است که در همان زمان در مصر کارگران به بیگاری مشغول بوده اند بدون پرداخت مزد که با شلاق نیز همراه بوده است .

تقویم کنونی (ماه ۳۰ روز) به دستور داریوش پایه گذاری شد و او هیاتی را برای اصلاح تقویم ایران به ریاست دانشمند بابلی "دنی تون" بسیج کرده بود . بر طبق تقویم جدید داریوش روز اول و پانزدهم ماه تعطیل بوده و در طول سال دارای ۵ عید مذهبی و ۳۱ روز تعطیلی رسمی که یکی از آنها نوروز و دیگری سوگ سیاوش بوده است .

داریوش پادگان و نظام وظیفه را در ایران پایه گذاری کرد و به مناسبت آن تمام جوانان چه فرزندشاه و چه فرزند وزیر باید به خدمت بروند و تعلیمات نظامی ببینند تا بتوانند از سرزمین پارس دفاع کنند . داریوش برای اولین بار در ایران وزارت راه - وزارت آب - سازمان املاک - سازمان اطلاعات - سازمان پست (چاپخانه) را بنیان نهاد . اولین راه شوسه و زیر سازی شده در جهان توسط داریوش ساخته شد

داریوش برای جلوگیری از قحطی آب در هندوستان که جزوی از امپراطوری ایران بوده سدی عظیم بروی رود سند بنا نهاد .

فیثاغورث که به دلایل مذهبی از کشور خود گریخته بود و به ایران پناه آورده بود توسط داریوش کبیر دارای یک زندگی خوب همراه با مستمری دائم شد .



کشف قدیمی ترین نمونه خط در ایران

میراث فرهنگی - نمونه‌ای دیگر از تابلت یا پیش - بالشتک‌ها در محوطه چغاآهوان دشت مهران کشف شد. باستان‌شناسان طی بررسی‌هایی که روی آن انجام داده‌اند، قدمت این تابلت را به نیمه اول هزاره پنجم پیش از میلاد تخمین زده‌اند. گفته می‌شود قدیمی ترین نمونه آن مربوط به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد می‌شود که در جنوب بین‌النهرین یافت شده است.

گفته می‌شود، بالشتک‌ها نشان از پیدایش و روند تکاملی خط دارد. به نظر می‌رسد یکی از قدیمی ترین نمونه‌های مدارک آغاز نوشتار در ایران و از منطقه شوشان بزرگ به دست آمده است.



چنانچه برای بررسی روند تکامل پیدایش خط باید به مدارک آغازین و بررسی دوره‌های پیش از پیدایش خط پرداخت.»

این باستان‌شناس با اعتقاد بر اینکه قدیمی ترین مدارک و نمونه‌های یافت شده را که می‌توان به آغاز و پیدایش خط نسبت داد مربوط به توکن‌ها یا اشیاء گلی شمارشی دوره نوسنگی می‌شود. این اشیاء که در سراسر خاورمیانه و خاور نزدیک پراکنده اند، در محوطه‌های نوسنگی ایران هم به دست آمده‌اند.

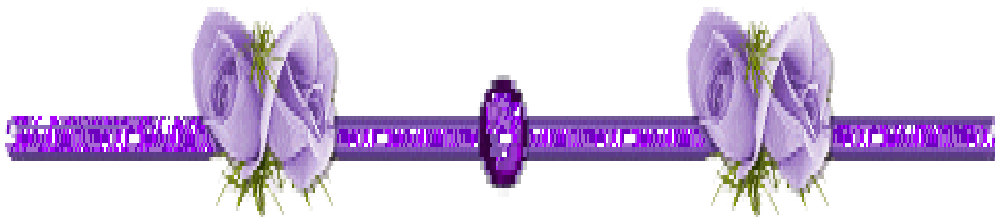
اما نمونه‌ی پیشرفته این توکن‌ها که بیانگر آغاز خط هستند، تابلت‌ها (Tablet) یا بالشتک‌های گلی هستند که از جنوب بین‌النهرین و شوشان کشف و معرفی شده‌اند.

به گزارش CHN ، به‌دنبال کاوش‌های اخیر در محوطه چغاآهوان نمونه‌ای از تابلت یا پیش - بالشتک‌ها کشف شده که بر اساس مقایسه‌های انجام شده تاریخ نیمه اول هزاره ۵ پیش از میلاد برای آن تخمین زده شده است. این درحالی است که پیش از این نمونه پیشرفته این توکن‌ها از جنوب بین‌النهرین و شوشان کشف شده‌اند و تاریخ آن به اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد نسبت داده می‌شود. «اردشیر جوانمردزاده» باستان‌شناس در این باره به خبرگزاری میراث فرهنگی می‌گوید: «یکی از مهمترین شاخصه‌های تمدن که معیارگذار دوران پیش از تاریخ به تاریخ خط است.

بر اساس مطالعات انجام شده این نمونه‌های آغازین تابلت (Proto-Tablet) را می‌توان به دوران عبید ۴ در بین‌النهرین (نیمه دوم هزاره ۵ پیش از میلاد) نسبت داد.

این درحالی است که طی کاوش‌های اخیر محوطه چغاآهوان دشت مهران واقع در استان ایلام نمونه‌ای از این پیش - بالشتک‌ها کشف شد که بر اساس مقایسه‌های انجام شده تاریخ نیمه اول هزاره ۵ پیش از میلاد را می‌توان برای آن پیشنهاد داد. به‌گفته جوانمردزاده، این شی کوچک گلی با ابعاد $5 \times 3 \times 2$ سانتیمتر مانند نمونه‌های مشابه بین‌النهرینی خود دارای سوراخ‌هایی ریز یا چوب خطی در دو طرف است. با این کشف می‌توان پیشنهاد داد یکی از قدیمی‌ترین نمونه‌های مدارک آغاز نوشتار در ایران و از منطقه شوشان بزرگ به دست آمده است.

لازم به ذکر است که کاوش‌های هیئت آمریکایی در دهلران نیز نمونه مشابه آنچه که از چغاآهوان معرفی شده است را معرفی و منتشر کرده‌است که متأسفانه تاریخ دقیق آن معلوم نیست.



کاروانسرای قلعه خرگوشی

کاروانسرای خرگوشی متعلق به دوره صفویه است و در جاده قدیم یزد- اصفهان قرار دارد، نزدیک ترین شهر به این کاروانسرا شهر عقدا است که در ۶۰ کیلومتری آن قرار دارد و نزدیکترین روستا، روستای سرو علیا است که در ۲۵ کیلومتری آن قرار دارد. نزدیک ترین آبادی تا این کاروانسرا در فاصله ۷ کیلومتری است که یک آبادی تک خانوار است به نام کایبون که مردم بسیار خونگرمی هستند.



راه دسترسی

برای رسیدن به این رصدگاه از شهر عقدا در جاده قدیم یزد- اصفهان در مسیر اردکان به نایین جدا می شود و پس از پشت سر گذاشتن روستاهای مزرعه نو، خلیل آباد و سروعلیا وارد بیابان سرو علیا و از آنجا وارد بخشی از بیابان سروعلیا به نام خرگوشی می شویم که این کاروانسرا در دل این کویر جای دارد تا سرو علیا مسیر آسفالتی است ولی از آن جا برای رسیدن به کاروانسرا باید مسافت ۲۵ کیلومتر شنی را پیمایید.



ابعاد این قلعه ۸۰*۸۰ متر است که شامل صدفه ها، حجره ها و اصطبل است، دیواره روی پشت بام دو متر عرض دارد و یک مخزن آب به صورت آب انبار در وسط آن قرار دارد که عموماً در آن آب تمیز قابل دسترس است، چوپانان از این مکان به عنوان اقامتگاه استفاده می کنند، لازم به ذکر است داخل رباط یک چشمه آب بسیار گوارا و آشامیدنی وجود دارد!!! کاروانسرا کاملاً داخل طبیعت بکر و وسط کویر قرار گرفته و می توان از آن به عنوان یک رصدگاه بسیار زیبا و مناسب استفاده کرد (تا قدر ۶ و گاهی تا ۶٫۵ قابل رویت است) آلودگی نوری و مانع در سطح افق وجود ندارد، فقط ممکن است گاهی اوقات در سطح افق غبار داشته باشیم ولی به جرئت می توان از آن به عنوان بهترین رصدگاه ها نام برد.

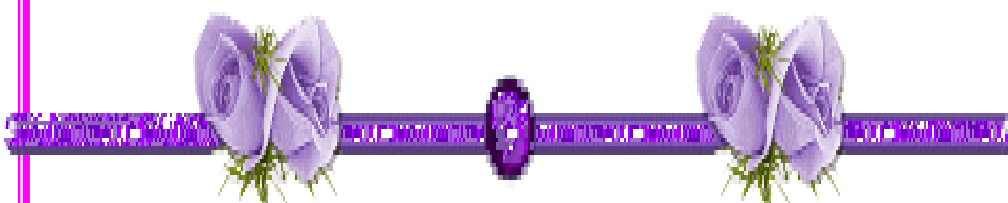
به تمام گردشگران و توریست ها مخصوصاً افرادی که با منطقه آشنا نیستند توصیه می

شود حتماً برای رفتن به این قلعه از ساکنین روستای سروعلیا کمک بگیرند.



این کاروانسرای متروک در محیطی بکر و خالی و رعب آور ساخته شده و چنان پرت و دور افتاده است که در حال ویرانی است و به عقیده اهالی روستاها رفتن به آن جا خطرناک است چون به نظر خرافی آنان آن مکان جن دارد!!!!!! البته این بیابان دارای شب های واقعا ترسناک است و دارای گرگ و... است.

بهترین وسیله برای رسیدن به این قلعه این است که به روستای سروعلیا سفر کنید و با با مردمان خونگرم و مهمان نواز آنجا مشورت و پس از استراحت کافی و بازدید از این روستا، با اطلاعات کافی و جامع و بدون هیچ دغدغه ای به آنجا بروید.



آب در آموزه های قرآنی

آب در آموزه های قرآنی مایه حیات همه موجودات جاندار در زمین است. از این روست که به صراحت می‌فرماید: ما هر چیز زنده را از آب قرار داده ایم.

آب از مهم ترین عناصر تشکیل دهنده زمین است. با آن که هفتاد درصد سطح زمین را آب فراگرفته، با این همه در طول تاریخ بشر مساله آب و مدیریت آن مهم ترین دغدغه بشر بوده است؛ زیرا آب شیرین و بهداشتی و قابل مصرف در کشاورزی نسبت به حجم عظیم آب های شور بسیار اندک است. در بسیاری از مناطق به سبب دور بودن از منابع آبی چون رودها و دریاها و حضور وحشتناک بیابان و کویر، آب مشکل جدی بشر می‌باشد و حتی جنگ های بسیاری رخ داده و خون های بسیاری برای آب و مهار و کنترل آن ریخته شده است.

برخی بر این باورند که جنگ آینده به ویژه در مناطق خاورمیانه، جنگ آب است. در حال حاضر بسیاری از درگیرهای قبيله ای و مرزی بین کشورها ارتباط با آب و تسلط بر منابع آن دارد. مدیریت و تسلط بر آب به ویژه رودها و دریاچه های مرزی مشکل بسیاری از کشورهای آفریقایی و آسیایی است.

این مایه حیات که بیش از هفتاد درصد از بدن انسان را شکل می‌بخشد و همه چیزهای زنده از آن پدید آمده و زندگی آن ها بدان وابسته است. مساله ای نیست که قرآن از کنار آن به سادگی گذشته باشد. به ویژه که مناطقی که قرآن در آن نازل شده است مناطقی خشک و بیابانی و یا نیمه بیابانی است و مساله آب در آن ارتباط تنگاتنگی با معنا و مفهوم زندگی و حیات و حتی آبادانی دارد. اگر در زبان عربی واژه آبادانی از عمر گرفته شده و ارتباط معناداری میان آبادانی و عمر وجود دارد ولی در فرهنگ ایرانی، آبادانی و آب از خاستگاه مشترکی بهره مند هستند؛ زیرا در تفکر ایرانی آب است که تمدن ها و آبادی ها را پدید می‌آورد و موجب شکوفایی فرهنگی و تمدنی می‌شود.

از این نظر، آب تنها ماده آشامیدنی نیست (بقره آیه ۶۰ و اعراف آیه ۱۶۰) بلکه آب از عناصر اصلی تمدنی و شکوفایی فرهنگی و تمدنی بشر است. هر آبادی زمانی شکل می‌گیرد که آب به مقدار کافی فراهم باشد. در مناطق عربی، واژگانی چون آب و واحه نوعی همپوشانی را بیان می‌کند. از این رو همواره در خاورمیانه بزرگ، آب به معنا و مفهوم تمدن بوده است. بزرگ ترین فرهنگ و تمدن ها در کنار رودها شکل گرفته است تمدن هایی چون تمدن های میانرودان، سند و نیل از مهم ترین تمدن هایی است که در کنار رودهای بزرگ شکل گرفته و تحولات جهانی را در طول تاریخ بشریت رقم زده اند.

اهمیت آب از نظر قرآن

آب در آموزه های قرآنی مایه حیات همه موجودات جاندار در زمین است. از این روست که به صراحت می‌فرماید: جعلنا من الماء کل شی حی؛ ما هر چیز زنده را از آب قرار داده ایم.

آب مایه آسمانی است [۱] چنان که مایه برکت نیز می‌باشد. البته و برای برکت یابی می‌بایست انسان ایمان و تقوا را مراعات کند. به این معنا که همین آب که ماده حیات بشریت و رشد و شکوفایی تمدنی است و از آسمان پاک می‌بارد برای این که مبارک باشد و برکت را برای بشریت پدید آورد می‌بایست، آدمی را به سوی ایمان به خدا و تقوا بکشاند و گرنه همان باران و آب آسمانی مایه هلاکت و نیستی می‌شود و همانند سیل های عظیم همه چیز را می‌شوید و می‌برد و یا همانند بوران های سخت از ریشه می‌خشکاند.

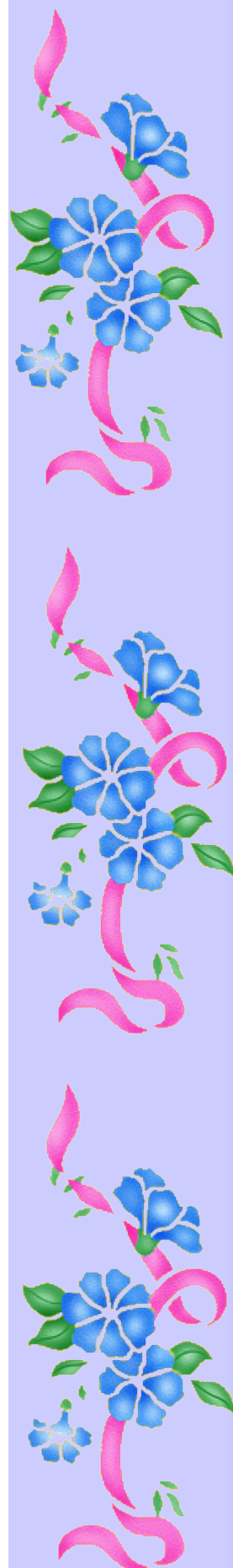
آب هم چنان که مایه حیات و عنصر اصلی تمدنی و شکوفایی آن است هم چنین مایه درمان و شفابخش بشر از بیماری نیز می‌باشد [۲] آب سرد و شیرین درمانگری بیش تری دارد و نوشیدن آن به عنوان مایه شفا درون و شستن به آن مایه شفای بدن و پوست و گوشت آدمی است. (همان)

خداوند نه تنها آب را به عنوان یکی از آیات بزرگ خویش می‌شناساند که انسان با تفکر در آن می‌تواند به آفریدگاری و پروردگاری خداوند برسد بلکه خداوند در آیاتی بر انسان منت می‌گذارد که وی را با آب گوارا سیراب می‌کند [۳]

هرچند که مطلق آب به عنوان آیه ای درخور توجه مطرح می‌شود و در آیه ۱۲ سوره فاطر توجه به منافع آب های تلخ و شیرین مورد تاکید است ولی آب شیرین و خنک به عنوان مهم ترین عنصر مورد توجه است و شکر خاص می‌طلبد [۴]

نقش آب در زندگی

خداوند در آیات چندی به نقش و کارکرد آب در زندگی بشر توجه می‌دهد. در آیات ۲۲ و ۱۶۴ سوره بقره و آیه ۹۹ سوره انعام و آیه ۵۷ سوره اعراف و ده ها آیه دیگر، آبادانی را به عنوان مهم ترین نقش و کارکرد آب مطرح می‌سازد.



به سخن دیگر کارکرد آرامشی که قرآن برای آب بیان می‌کند هم در موقعیت عادی است که موجب آرامش روحی و روانی با استفاده از آب به دست می‌آید و حمام کردن و شست و شو تن بدن و یا نوشیدن آن موجب می‌شود تا نوعی آرامش خاص در انسان پدید آید و یا حتی بیماری‌هایی پوستی و تنی از بدن وی برطرف و زایل شود و هم می‌تواند در موقعیت‌های غیرعادی مانند جنگ موجبات آرامش ارتش اسلام را فراهم آورد که در آیه مورد نظر مورد توجه و تأکید بوده است.

خداوند به نقش بهداشتی آب نیز توجه دارد و از این روست که آیاتی چون ۲۲۲ سوره بقره و نیز ۱۱ سوره انفال و ۴۸ سوره فرقان و ۴۲ سوره ص به نقش آب در بهداشت و نظافت اشاره می‌کند و مردمان را با این شیوه هم به اهمیت و ارزش آب توجه می‌دهد و هم می‌کوشد تا ایشان را به استفاده از آب در بهداشت و نظافت تشویق و ترغیب نماید. [۵]

به هر حال، قرآن آب را مایه طهارت ظاهری [۶] و طهارت معنوی و دوری مومنان از پلیدی شیطان می‌شمارد. [۷]

آب در کشاورزی و دامداری نیز نقش مهم و اساسی دارد؛ زیرا بی آب هیچ گیاهی پدیدار نمی‌شود تا از حبوبات و سبزی برای خوردن استفاده کرد و یا به دام‌ها داد تا از گوشت و پوست و شیر آن‌ها استفاده

این مساله امری پیچیده و غیر روشن نیست بلکه اگر به همه تمدن‌ها توجه شود به خوبی دانسته می‌شود که آب عامل اصلی گرد آمدن بشر در کنار آب‌های جاری و چشمه‌ها بوده و هست. آب، زمینه رشد و شکوفایی کشاورزی و دامداری می‌شود و فراوانی گیاه و دام نیز موجب می‌شود تا نخستین دغدغه و انگیزه حرکتی بشر یعنی تأمین غذا برای بقا را نداشته باشد.

فراوانی غذا و تأمین و امنیت غذایی موجب افزایش تولید نسل می‌شود و شمار مردمان در یک منطقه افزایش می‌یابد و در نتیجه آن تبادل اطلاعات و تجربیات فزونی یافته و تمدن‌ها و فرهنگ‌های غنی از تبادل اطلاعات و تجربیات و اختراعات و ابتکارات پدیدار می‌شود.

آیه ۱۱ سوره انفال افزون بر آسایش که در آیات پیش بیان شده به آرامش دهی آب توجه می‌دهد. این آرامش می‌تواند هم به معنای آن باشد که انسان‌ها با استفاده از آب به آرامش دست می‌یابند؛ زیرا آب شفا و درمان‌گر است چنان که بیان شد، هم چنین آب می‌تواند موجبات دلگرمی بشر در برخی از موارد را فراهم آورد و آرامش از دست رفته را به وی بازگرداند.

این آرامش که در آیه ۱۱ سوره انفال بیان شده است مرتبط به آرامشی است که در صحنه‌های جنگی به سبب ریزش باران به دست می‌آید؛ زیرا در برخی از موارد، موقعیت نیروها به گونه‌ای است که باران می‌تواند موجبات تحکیم موقعیت شود و زمین‌های سست را پایدار و یا زمین‌ها را به شکلی در آورد که دشمن در آن گیر افتد.

راین هم آب در تغذیه مستقیم و غیرمستقیم بشر نقش اساسی دارد؛ چنان که این مطلب را می توان از آیات بسیاری چون بقره آیه ۲۲ و ۹۰ و ۲۶۵ و انعام آیه ۹۹ و مانند آن به دست آورد.

آب مایه قدرت و افزایش آن است. از این روست که قرآن در آیه ۶ سوره انعام و نیز آیه ۵۲ سوره هود به آب به عنوان عامل مکنت و ازدیاد قوت و قدرت اشاره می کند. بر این اساس هر کسی اگر آب بیش تری را دارا باشد و در مدیریت آب تلاش کند و آن را به سمت بهره وری سوق دهد می تواند امید داشته باشد که دارای ثروت و قدرت شده و روز به روز قدرت و شوکت وی افزایش یابد.

دولت اسلامی می بایست با توجه به این بینش و نگرش قرآن همواره بر مدیریت آب تاکید کند؛ زیرا مدیریت صحیح و بهینه آب به معنا و مفهوم دست یابی به تمدن و شکوفایی تمدنی و نیز قدرت و افزایش آن است.

مدیریت آب در آیات قرآنی آن چنان مهم و اساسی در زندگی بشر به ویژه در حوزه تمدنی و شکوفایی و دست یابی به مکنت و قدرت و آسایش و آرامش عمومی دانسته شده است که افزون بر ترغیب بشر به سدسازی برای مهار آب های سطحی، بیان می دارد که چگونه شکسته شدن سد مارب در سرزمین سبا و دولت پر قدرت یمنی آن موجب شده است که تمدن بزرگ و با اهمیتی به سرعت نابود و از صحنه روزگار بیرون رود. [۸]

خداوند در این آیات بیان می کند که چگونه سد مارب موجب شده بود تا آب ها در پشت آن جمع شود و کشاورزی و دامداری مردمان سبا رشد و شکوفایی یابد و تمدنی عظیم در کنار آن پدید آید ولی از آن جایی که آنان راه گناه و بی تقوایی را در پیش گرفتند و به جان هم افتادند گرفتار سیل و باران های سهمگین و مخربی شده و سد ایشان به آب عظیم عرم فرو ریخت و تمدن ایشان با از میان رفتن سد از بین رفت و در سرزمین ایشان جز گیاهان تلخ و کمی سدر رشد و نمو نیافت. این در حالی بود که با بهره گیری و مدیریت درست آبهای سطحی گردآوری شده پشت سد توانسته بودند بهشتی در کناره آن ایجاد کنند و باغ ها و بوستان های عظیم بیافرینند که موجبات رشد تمدن آنان را فراهم آورده بود.



خداوند در آیه ۹۹ سوره انعام و آیه ۲۴ سوره یونس و نیز ۶۳ حج و آیات دیگر رویش سبزه زارها از طریق بارش باران را به عنوان نعمتی بزرگ می‌شمارد؛ زیرا رویش گیاهان و ایجاد سبزه زارهای بسیار موجب می‌شود که هم کشاورزی رونق یابد و هم دامداری تقویت شود و هم این که آب و هوای بوم زیست معتدل شده و برای آرامش و آسایش بشر بهتر شود.

اگر به حجم آیاتی که قرآن درباره آب و نقش آن تنها در کشاورزی و رویش سبزه زارها و گیاهان و درختان متنوع و حبوبات و دانه های روغنی و غیرروغنی و مانند آن پرداخته شود با حجم انبوهی از آیات مواجه می‌شویم که گزارش همه آن ها در این نوشتار کوتاه شدنی نیست.

پی نوشت:

- ۱- سوره ق آیه ۹ و اعراف آیه ۹۶
- ۲- سوره ص آیات ۴۱ و ۴۲ و مریم آیه ۲۴
- ۳- سوره مرسلات آیه ۲۷
- ۴- سوره فاطر آیه ۳۰ و مرسلات ۲۷
- ۵- نگاه کنید هم چنین به بحارالانوار ج ۸۰ ص (۲۱)
- ۶- سوره انفال آیه ۱۱ و فرقان آیه ۴۸ و نسا آیه ۴۳ و بقره آیه ۲۲۲ و آیات دیگر
- ۷- سوره انفال آیه ۱۱
- ۸- سوره سباء آیات ۱۵ و ۱۶
- ۹- سوره (بقره) ۱۶۴ و نور آیه ۴۵ و انبیاء آیه ۳۰
- ۱۰- سوره نور آیه ۴۵ (سوره سباء آیات ۱۵ و ۱۶)
- ۱۱- سوره انبیاء آیه ۳۰
- ۱۲- سوره انعام آیه ۹۹ و نیز یونس آیه ۲۴ و حج آیات ۵ و ۶۳ و نمل آیه ۶۰ و زمر آیه ۲۱ و حدید آیه ۲۰.

مدیریت آب به معنای تغییر در محیط زیست و افزایش اکسیژن و خنک کردن محیط و بوم زیست، افزایش گیاهان و جانوران و تغییرات آب و هوا به سمت اعتدال، [۹] است، زیرا هر جنبنده ای از آب پدید می‌آید [۱۰] و زنده شدن موجودات از آب [۱۱] است و اگر آب در جایی فراهم آید به ویژه آب شیرین باران که دارای خواص بسیاری به ویژه در پرورش دام و گیاه است، هم افزایش گیاهان را سبب می‌شود و هم تعدیل آب و هوا را موجب می‌شود.

قوم سبا با مدیریت آب توانسته بودند کویری را به گلستان و بوستانی تبدیل کنند ولی همین که سد از میان رفت و سیل های خروشان سد و گیاهان و جانداران و انسان های پیرامونش را به هلاکت کشاند پس از آن هرگز آن سرزمین رنگ آبادی و آبادانی و تمدن پیشین را ندید و تجربه دوباره ای نکرد.

خداوند در آیات ۲۴ سوره یونس و ۱۰ سوره نحل و ۵۳ و ۵۴ سوره طه و هم چنین ۴۸ و ۴۹ سوره فرقان و ۲۷ سوره سجده به نقش آب در دامداری توجه می‌دهد تا مردمان را برای افزایش دام و ثروت به حفظ و مدیریت آب تشویق و ترغیب نماید.

اصولا از نظر قرآن زیبایی طبیعت به سبب رویش گیاهان متنوع است که از آب باران و جاری به دست می‌آید. تاکید بر آب باران از آن روست که باران نقش فزاینده در تولید و رشد و پرورش گیاهان متنوع دارد.

هر چند که آب های برگرفته از سفره های زیرزمینی می تواند مفید باشد ولی هرگز نمی توان آن را در سطح آب های دانست که از طریق باران به دست می‌آید. از این روست که قرآن در پرورش گیاهان متنوع همواره به آب باران توجه می‌دهد. [۱۲]

آب باران به سبب پاکی خاص و نیز تنوع مواد مفید و سازنده آن برای گیاهان بسیار مفیدتر از آب های برگرفته از سفره های زیرزمینی است. از این رو حفظ و مدیریت آب باران و یا همان آب های سطحی چون رودها بهتر و مفیدتر برای کشت و دام و محیط زیست و انسان است.

باران اسیدی (RAIN ACID)

باران به طور طبیعی بواسطه حضور CO_2 در هوا و حل شدن آن در آب بصورت ضعیف خاصیت اسیدی دارد. ($\text{pH} 6/5$ و اسید از نوع اسید کربنیک) ولی باران اسیدی که از عوارض زندگی شهری و صنعتی است به بارشی گفته می شود که دارای pH کمتر از $6/5$ باشد. در نواحی شهری علاوه بر CO_2 گازهای دیگری با ویژگیهای اسیدی تولید می شود که مشخص ترین آنها دی اکسید گوگرد SO_2 و دی اکسید ازت NO_2 می باشد.

اکسید ازت و گوگرد و سایر مواد آلوده کننده هوا می توانند در هوا پخش شده و یا به قسمت های بالای جو منتقل شوند. این آلودگی ها در هوا می توانند بطور مستقیم «بارش خشک» dry deposition نشین شوند و یا همراه با باران و برف «بارش مرطوب wet deposition » به سطح زمین منتقل شوند.

اکسید های گوگرد: اکسیدهای گوگرد بر اثر سوزاندن زغال سنگ و نفت و سوخت اتومبیل ها ایجاد شده و بصورت دی اکسید گوگرد به هوا متصاعد می شود این گاز در صورتی که با بخار آب ترکیب شود تولید اسید سولفور و H_2SO_3 می کند.

اکسید ازت : NO اکسید ازت از حرارت و فشار زیاد حاصله از احتراق در داخل موتور اتومبیل تولید می شود و چون دمای سوختن در موتورهای دیزلی بیش از موتورهای بنزینی است این گاز در موتورهای گازوئیل سوز بیشتر است. اکسید ازت در هوا با اکسیژن ترکیب شده و دی اکسید ازت را تولید می کند.

NO_2 اگر با رطوبت ترکیب شود اسید نیتریک HNO_3 ایجاد می شود. (برومند - یونسکو

۱۳۷۰)

اثرات بارشهای اسیدی بر انسان :

بارشهای اسیدی به هر دو صورت خشک و مرطوب بر انسان و محیط انسانی اثرات نامطلوبی دارد واکنشهایی که منجر به تولید ترکیبات اسیدی می شود می تواند بجای رطوبت هوا در اشک چشم یا ششها انجام شود. و باعث ایجاد مشکلاتی برای دستگاه تنفسی شده و بیماریهایی چون سرطان ریه و برنشیت ایجاد کند، ذرات معلق گوگرد سبب پیدایش و تشدید بیماری برونشیت می شود. در نواحی پر جمعیت و افراد سیگاری این بیماری بیشتر دیده شده است.



باران اسیدی در هر دو حالت خشک و مرطوب باعث تخریب و تغییر سطح سنگهای آهکی می شود.

در حالت مرطوب، بارش اسیدی که سطح سنگها ریزش می کند با عناصر موجود در سنگ واکنش انجام داده و باعث تخریب سنگ می شود زیرا کانی کلسیت $CaCO_3$ که کانی اصلی سنگهای آهکی است به وسیله آبهای اسیدی خیلی سریع حل می شود. $CaCO_3 + H_2CO_3 \rightarrow Ca^{2+} + 2HCO_3^- + H_2O + CO_2$

بارش اسیدی در حالت خشک بر روی سنگها رسوب کرده و باعث تیرگی نمای ساختمان می شود که علاوه بر اینکه چهره نامطلوبی به شهر می دهد به تدریج باعث تخریب نمای ساختمانها می شود.

منابع و ماخذ

- ۱- آموزش بین المللی محیط زیست + کمسیون ملی یونسکو در ایران . ترجمه فیروزه برومند
- ۲- مطالعات اقلیم دشت تربت حیدریه + حسین نژادعباسی . پایان نامه کارشناسی ارشد
- ۳- بارش اسیدی و اثرات اکولوژیکی آن + فرشته قاسم زاده. تحقیقات جغرافیایی. شماره ۲۹ تابستان ۱۳۷۲.
- ۴- اثرات بارانهای اسیدی + دکتر مهران غیاثی. رشد آموزش شیمی - شماره ۱۵- بهار ۱۳۶۷.
- ۵- شیمی ۱ سال اول دبیرستان.
- ۶- آلودگی هوا + تالیف هنری کینز. ترجمه دکتر غیاث الدین.
- ۷- شهر و پیامدهای زیست محیطی آن + دکتر سیمین تولایی . تحقیقات جغرافیایی . شماره ۳۳- تابستان ۱۳۷۳.
- ۸- مسائل محیط زیست + تألیف نوکن و لیکر

مطالعات انجام شده ثابت کرده است که از ۱۹۵۲ تا کنون تعداد سرطانهای ریوی و تنفسی در حال افزایش بوده است . بخصوص در فرانسه گزارشهای مرگ و میر ناشی از این مسئله در چندین دوره افزایش نسبتاً زیادی را نشان می دهد.

به هر صورت شواهد قطعی در مورد اثرات شهر بر سرطان ریه وجود دارد و مرگ و میر ناشی از این بیماری در بین سیگارپهای نواحی شهری ۲۶ تا ۱۲۳ درصد بیشتر از نواحی روستایی است.

اثر باران اسیدی بر موجودات دریایی :

هر موجود زنده نسبت به تغییرات PH دارای مقاومت خاصی است با کاهش PH در آب و بالا رفتن خاصیت اسیدی آنها بر روی بعضی از موجودات دریایی اثر نامطلوب گذاشته و ممکن است باعث مرگ آنها شود . در سال ۱۹۰۰ میلادی حدود ۳۰/۰۰۰ کیلو گرم ماهی سالمون در هفت رودخانه نروژ صید شد در حالیکه در سال 1970 به دلیل افزایش اسیدیته آب هیچ اثری از این آبی در رودخانه فوق پیدا نشده است.

بارانهای اسیدی که در خاک نفوذ می کنند باعث رها سازی فلزاتی چون نیکل ،سربو منگنز و ... شده و به تدریج توسط جریان آب به دریا ها حمل می شود و در مرگ بعضی از موجودات دریایی موثر مواقع می شود.

اثر بارانهای اسیدی بر ساختمانها :

ساختمانهایی که از جنس سنگهای آهکی (مرمر، سنگ آهک ، ماسه سنگ آهکی) می باشند به بارانهای اسیدی حساسیت بیشتری دارند که این مسئله علاوه بر زیانهای اقتصادی می تواند باعث زیانهای فرهنگی هم شود. بر آثار تاریخی شهرهایی چون پاریس ، لندن، ونیز و... در معرض خطر جدی قرار دارند در ایران نیز به علت گسترش شهرها و افزایش آلودگی هوا، آثار تاریخی با چنین خطری مواجه است.

رابطه متقابل بیابانزایی، تغییر اقلیم جهانی و تنوع زیستی

تنوع زیستی که نقش قابل توجهی را در تامین بسیاری از خدمات اکوسیستم های اراضی خشک برای افراد بشر ایفا می نماید ، در اثر پدیده بیابانزایی روند رو به کاهشی گرفته است . پوشش گیاهی و تنوع آن در حفاظت خاک ، کنترل جریان آبهای سطحی و آب و هوای محلی تاثیر بسزایی داشته و اختلال در خدمات مرتبط تنوع زیستی گیاهان اراضی خشک ، عاملی مهم در بروز بیابانزایی و پیامدهای مختلف آن از جمله از دست رفتن زیستگاههای سایر گونه ها محسوب می گردد .

سالانه ۳۰۰ میلیون تن کربن اراضی خشک وارد جو می شود . پدیده بیابانزایی با کاهش در پوشش گیاهی و خاک ، اقلیم جهانی را تحت تاثیر قرار می دهد . در واقع خاکهای اراضی خشک حاوی کربن زیادی هستند که در اثر بیابانزایی می تواند وارد جو شود ، و این امر نتایج قابل ملاحظه ای برای سیستم اقلیم جهانی در بر خواهد داشت . برآورد شده است که همه ساله ۳۰۰ میلیون تن کربن اراضی خشک در نتیجه بیابانزایی وارد جو می شود ، و این رقم بیانگر حدود ۴ درصد جریان کربن جهانی از کلیه منابع ترکیبی می باشد .

تاثیرات تغییر آب و هوای جهانی بر بیابانزایی پیچیده بوده و تا کنون درک کاملی از آن بدست نیامده است . دمای بالای هوا که موجب از دست رفتن رطوبت خاک و کاهش بارندگی در اراضی خشک می گردد ، از یک طرف تاثیری منفی داشته و از طرفی دیگر با افزایش دی اکسید کربن جو می تواند رشد برخی گونه های گیاهی را در پی داشته باشد . هر چند تغییر اقلیم می تواند خطر بیابانزایی و خشکی را در بسیاری مناطق افزایش بدهد ، با اینحال پیش بینی پیامدهای از دست رفتن تنوع زیستی بر روی بیابانزایی بسادگی امکان پذیر نمی باشد .



ارتباط بیابانزایی با از دست رفتن تنوع زیستی

روشهای مدیریت زیست محیطی برای مبارزه با بیابانزایی، حفظ تنوع زیستی، و کاهش تغییر آب و هوا از بسیاری لحاظ با یکدیگر در ارتباط هستند، بنابراین اجرای مشترک کنوانسیونهای سازمان ملل با هدف قرار دادن مسائل بیابانزایی، تنوع زیستی، و تغییر اقلیم، می تواند منافع چندگانه ای را در بر داشته باشد.

بیابانزایی با از دست رفتن تنوع زیستی در ارتباط بوده و بواسطه تأثیری که در از دست رفتن ظرفیت ترسیب کربن و افزایش ضریب تابش سطح زمین دارد، در تغییر اقلیم جهانی سهمیه می باشد.

تنوع زیستی با اکثر خدماتی که توسط اکوسیستمهای اراضی خشک فراهم می شود، در ارتباط بوده و در برابر پدیده بیابانزایی به شدت تأثیر پذیر می باشد. مهمتر از همه، پوشش گیاهی و تنوع ساختار فیزیکی آن است که در حفظ خاک و کنترل نفوذ بارندگی، جریان آبهای سطحی و اقلیم محلی موثر می باشد. گونه های مختلف گیاهی اجزای کوچکی با ساختارهای فیزیکی و شیمیایی مختلف تولید نموده و به همراه میکرو و مایکرو تجزیه کننده ها به تشکیل خاک و چرخش مواد مغذی کمک می کنند.

این تنوع در پوشش گیاهی دام و حیات وحش را مورد حمایت قرار می دهد. کلیه گیاهان از تولید اولیه ای حمایت می کنند که در نهایت تامین کننده غذا، فیبر، چوب سوخت و ترسیب کربن و بنابراین تنظیم آب و هوای جهانی می باشد. بهره برداری مفرط از پوشش گیاهی منجر به از دست رفتن تولید اولیه و در نتیجه

توزیع جغرافیایی آتشفشانها

زمان حاضر، بیش از ۵۰۰ آتشفشان با درجات فعالیت مختلف شناخته شده اند. البته این تعداد، نمایشگر تمامی آتشفشانهای موجود در زمین نیست. زیرا تعداد زیادی آتشفشان فعال در زیر دریاها موجودند که هنوز تعدادی از آنها ناشناخته اند.

توزیع آتشفشانها

توزیع این آتشفشانها یکنواخت نیست بلکه تمرکز آنها در مناطق خاصی است. تمرکز آتشفشانها در مناطق و نواحی خاصی از زمین است که این مناطق در حقیقت نمایشگر نقاط ضعف زمین هستند. مناطق مزبور را می توان به دسته های زیر تقسیم کرد:

منطقه اقیانوس آرام

قسمت اعظم آتشفشانها (حدود ۶۰ درصد) در سواحل و جزایر اقیانوس آرام واقعند. آتشفشانهای فعال در منطقه اقیانوس کبیر، روی منحنی دایره مانندی متمرکز شده اند که به نام حلقه آتشین یا کمربند آتشین خوانده می شود. آتشفشانهای معروفی چون آلوتین، آلاسکا، رشوز و پله در امتداد این حلقه قرار گرفته اند. آتشفشان معروف هاوایی در داخل این حلقه واقع شده است.

منطقه مدیترانه یا منطقه کوههای جوان آلپ

این منطقه دارای اهمیت کمتری است زیرا تعداد زیادی از آتشفشانهای آن خاموش است. از جمله آتشفشانهای معروف آن می توان وزو، استرمبولی و ولکانو در ایتالیا، آتشفشان خاموش دماوند در ایران و آتشفشانهای جزایر سوئد را نام برد.

منطقه اقیانوس اطلس

این منطقه نیز از نظر فعالیتهای آتشفشانی اهمیت منطقه اقیانوس آرام را ندارد. از جمله آتشفشانهای معروف این ناحیه می توان آتشفشانهای ایسلند، قناری و آتشفشانهای جزایر دماغه سبز را نام برد. در این منطقه تعداد زیادی آتشفشان زیر دریایی نیز وجود دارد.

منطقه اقیانوس هند

مهمترین آتشفشانهای این منطقه آتشفشانهای عظیم جزایر ریونیون در نزدیکی ماداگاسکار است. علاوه بر آتشفشانهایی که در اطراف مناطق یادشده وجود دارند، در بعضی موارد آتشفشانهای پراکنده ای نیز دیده می شود که از جمله آنها می توان از آتشفشانهای شمال اربوس و ترور در قطب جنوب نام برد.

فعالتهای آتشفشانی در ایران

از نظر زمین شناسی، ایران را به چهار واحد، ایران شمالی، ایران مرکزی، ایران جنوبی و چینهای ساحلی تقسیم می کنند. بنابراین لازم است که آتشفشانهای هر یک از این واحدها، جداگانه بررسی شود.

ایران شمالی یا البرز

ایران شمالی شامل کوههایی است که از آذربایجان شروع شده تا خراسان ادامه دارد و بطوری که می دانیم، این کوهها در غرب به نام کوههای آذربایجان، در قسمت مرکزی به نام البرز و در قسمت شرقی به نام هزار مسجد خوانده می شود. آتشفشانهای ایران شمالی عبارتند از:

آتشفشان دماوند:

ارتفاع قله این آتشفشان ۵۸۶۰ متر است. این آتشفشان در حال حاضر خاموش است. فعالیتهای متناوب این آتشفشان از دوره الیاس شروع شده و آخرین فعالیت آن در اوائل کواترنری بوده است. دماوند از گروه آتشفشانهای نوع استرومبولی است.



آتشفشان تفتان: این آتشفشان که تنها آتشفشان فعال ایران است، بلندترین قله کوههای بلوچستان را تشکیل می‌دهد. در اطراف تفتان چشمه‌های متعدد گوگردی وجود دارد و جنس گدازه‌های آن آندزیتی است.

چین‌های ساحلی

جنوبی‌ترین قسمت ایران را منطقه چینهای ساحلی تشکیل می‌دهد. هرچند در این قسمت آتشفشانی وجود ندارد. ولی در آن بعضی سنگهای آذرین خروجی از قبیل ریولیت و تراکیت دیده شده است.

چکیده

فعالیت‌های آتشفشانی ایران بر دو امتداد قرار دارند یکی امتداد ایران شمالی یا البرز است که روی آن بطوری که دیدیم آتشفشانهای دماوند، سهند، سبلان، آزارات کوچک و بزرگ قرار گرفته است و دیگری، قوس ایران جنوبی یا زاگرس است که آتشفشانهای الوند و تفتان را دربر می‌گیرد. با توجه به این دو امتداد می‌توان گفت که امتدادهای مزبور در حقیقت امتداد نقاط ضعیف ایران هستند.

با توجه به اینکه اکثر زلزله‌های ایران در این دو ردیف متمرکز بوده‌اند (زلزله‌های قوچان، بجنورد، گرگان، ترود لاریجان، بوئین زهرا و آستارا در ردیف ایران شمالی و زلزله‌های بلوچستان، لار، کردستان، شاپور و خوی در ردیف ایران جنوبی) صحت این ادعا تایید می‌شود.

آتشفشان سهند: این آتشفشان خاموش، در جنوب شرقی تبریز قرار دارد. فعالیت سهند مربوط به اوائل کواترنری بوده. این آتشفشان از تجمع بیش از ۱۲ مخروط که به فاصله چند کیلومتر از هم قرار دارند، تشکیل شده است. ارتفاع بلندترین مخروط این آتشفشان، قله جام نام دارد که این قله حدود ۳۲۰۰ متر است.

آتشفشان سبلان: این کوه در حوالی شهر اردبیل واقع شده است و خود از سه مخروط آتشفشان که در یک ردیف قرار گرفته اند، تشکیل شده است. در اطراف سبلان، چشمه‌های آب گرم متعددی که مربوط به پدیده‌های بعد از این آتشفشان هستند، دیده می‌شود.

آتشفشان آزارات کوچک: این آتشفشان خاموش، که در گوشه شمال غربی ایران قرار دارد، به شکل یک مخروط بزرگ است و ارتفاعش به ۳۰۰۰ متر می‌رسد.

آتشفشان آزارات بزرگ: این قله در چند کیلومتری آزارات کوچک قرار دارد و ارتفاع آن به ۲۵۰۰۰ متر می‌رسد.

ایران مرکزی

این نام به فلات وسیع و بسته‌ای تطلاق می‌شود که تقریباً نصف وسعت ایران را تشکیل می‌دهد و بین رشته کوههای ایران شمالی و جنوبی محدود است. هر چند توده‌های آذرین نفوذی فراوانی در این قسمت از ایران وجود دارد. ولی اثری از فعالیت‌های آتشفشانی در آن دیده نشده است.

ایران جنوبی یا رشته کوههای زاگرس

رشته کوههای زاگرس از مرکز ایران و ترکیه در شمال غرب شروع می‌شود و تا بلوچستان ادامه دارد و ادامه آن در شمال غربی به کوههای ترکیه و در جنوب شرق به کوههای پاکستان وصل می‌شود. آتشفشانهای مهم این واحد عبارتند از:

آتشفشان الوند: آتشفشان خاموش، در حوالی همدان واقع است و در اطراف آن آثار سنگهای آتشفشانی دیده می‌شود.

تحولات جمعیتی ایران؛ اقدامات و نتایج

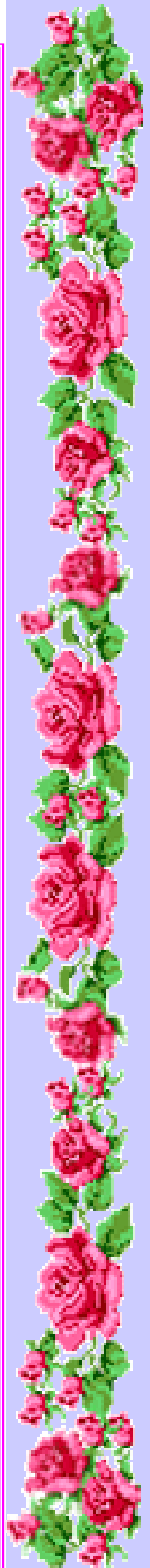
آمارهای جمعیتی سال ۱۳۴۵ نشان می‌داد در بازه ده‌ساله ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، نرخ رشد سالیانه جمعیت ۱۳/۳ درصد و نرخ باروری کلی برابر با ۷/۷ فرزند بوده و «بعد خانوار» که در سال ۱۳۳۵ برابر با ۸/۴ نفر بود، در سال ۱۳۴۵ به ۵ نفر رسیده است. با آنکه در این بازه زمانی جمعیت کشور، کمتر از ۳۰ میلیون نفر برآورد شده بود، در پایان سال ۱۳۴۵ با نظر کارشناسان شورای جمعیتی مستقر در آمریکا و «شورای عالی بهداشت و تنظیم خانواده» و «ستاد عالی هماهنگی» با همکاری دستگاه‌های دولتی سازمان‌دهی و «حوزه معاونت وزارت بهداشت» برای اجرای برنامه‌های آن در نظر گرفته شد و به دنبال آن، از سال ۱۳۴۶ «سازمان جمعیت و تنظیم خانواده» راه‌اندازی شد.

در پایان سال ۱۳۴۶، موضوع دادن خدمات تنظیم خانواده با هدف مهار باروری و رشد جمعیت، در برنامه عمرانی چهارم کشور (۱۳۴۷ تا ۱۳۵۱) گنجانده و سپس در برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶) نیز پیگیری شد. با اینکه برنامه‌های تنظیم خانواده پذیرشی همگانی پیدا نکرد، «نرخ رشد سالیانه جمعیت» در ده‌ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ به ۷۱/۲ درصد و «نرخ باروری کلی» به ۳/۶ فرزند کاهش یافت؛ اما «بعد خانوار» همچنان ۵ نفر ماند.

پس از انقلاب اسلامی، رشد جمعیت شتاب گرفت؛ چنان‌که در بازه ده‌ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ «نرخ رشد سالیانه جمعیت» به ۹۱/۳ درصد، «نرخ باروری کلی» به ۹/۶ فرزند، «جمعیت کل کشور» به ۵۰ میلیون نفر و «بعد خانوار» به ۱/۵ نفر رسید که البته ورود مهاجرانی از همسایگان شرقی و غربی، بخشی از این افزایش را توضیح می‌دهد. پس از سرشماری سال ۱۳۶۵ بود که کارشناسان جمعیت و بهداشت، به «انفجار جمعیت» هشدار دادند و مسئولان کشور را برای پیگیری سیاست «تحدید جمعیت» قانع ساختند؛ از این‌رو، در سال ۱۳۶۸ در متن «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» به برنامه مهار جمعیت توجه شد و در برنامه‌های دوم و سوم توسعه نیز، پررنگ‌تر پیگیری شد.

بر اساس بند «ج» قانون «برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران» تصویب شده ۱۱/۱۱/۱۳۶۸ که به «تصویر کلان برنامه» می‌پردازد «خطوط کلی سیاست تحدید موالید کشور» به این شرح، به تصویب رسید:

«بر مبنای بررسی‌های به عمل آمده، اعمال سیاست تعدیل موالید از ۴/۶ مولود زنده به دنیا آمده در دوران بالقوه بارداری یک زن (سال ۱۳۶۵) به ۴ نوزاد در سال ۱۳۹۰ و کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت از ۲/۳ به ۳/۲ درصد در همین مدت، با توجه به ساختمان فعلی بسیار جوان جمعیت و ویژگی‌های زیستی و فرهنگی جامعه، امکان‌پذیر خواهد بود.



به این ترتیب، در بازه زمانی ۲۵ ساله ۱۳۶۵ تا ۱۳۹۰، ایران موفق ترین کشور جهان در زمینه مهار جمعیت شد و در زمینه کاهش نرخ رشد جمعیت از ۲/۳ درصد به کمتر از ۲ درصد در مدت ۱۵ سال، نمونه ای بی همتا نام گرفت.

«بخش جمعیت اداره اقتصاد و امور اجتماعی سازمان

ملل متحد» در «بازبینی سال ۲۰۱۰ میلادی پیش بینی های جمعیت جهان» برای جمعیت آینده ایران، چهار دورنما پیش بینی کرد.

در دورنمای نخست که دورنمای باروری بالا بود، پیش بینی شده بود نرخ باروری کلی هر زن از ۸/۱ فرزند در سال ۱۳۹۰، به ۵/۲ فرزند در سال ۱۴۸۰ برسد و جمعیت ایران در سال ۱۴۳۰ شمسی، ۱۰۰ میلیون نفر شود و کم و بیش ثابت بماند. در دورنمای دوم که دورنمای باروری ثابت بود، پیش بینی شده بود جمعیت ایران تا سال ۱۴۳۵ افزایش می یابد و پس از رسیدن به ۹۴ میلیون نفر، روند کاهشی خود را آغاز می کند تا در سال ۱۴۸۰ به ۷۸ میلیون نفر برسد. در دورنمای سوم که دورنمای باروری متوسط بود، پیش بینی شده بود نرخ باروری کلی هر زن از ۸/۱ فرزند در سال ۱۳۹۰، به ۵/۱ فرزند در سال ۱۴۲۰ کاهش یابد و جمعیت کشور در آن سال به ۸۶ میلیون نفر و نرخ سال خوردگی به ۲۲ درصد جمعیت کل کشور برسد. در دورنمای چهارم که دورنمای باروری پایین بود، پیش بینی شده بود نرخ باروری کلی هر زن از ۸/۱ فرزند در سال ۱۳۹۰، به یک فرزند در سال ۱۴۲۰ کاهش می یابد و نرخ سال خوردگی به ۲۵ درصد جمعیت کل کشور می رسد و پس از سال ۱۴۲۰، جمعیت کاهش می یابد؛ تا اینکه نزدیک ۳۱ میلیون نفر می رسد و نرخ سال خوردگی، ۴۷ درصد جمعیت کل می شود.

از این رو، کاهش باروری عمومی زنان تا حد ۴ نوزاد و نرخ رشد طبیعی ۳/۲ درصد در سال ۱۳۹۰، مهم ترین هدف دراز مدت سیاست تحدید موالید کشور خواهد بود و متناسب با این هدف، کاهش نرخ رشد طبیعی جمعیت به ۹/۲ درصد در انتهای این برنامه و ابتدای برنامه توسعه بعدی، از طریق اثرگذاری آگاهانه و برنامه ریزی شده بر متغیر باروری، به عنوان عمده ترین هدف جمعیتی این برنامه در نظر گرفته شده است.

به منظور نیل به این هدف، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مجری این سیاست موظف است با همه توان و امکانات خود، به طور متوسط ۲۴ درصد از زنان و مادران در مقاطع سنی بالقوه باروری را در سال های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تحت پوشش برنامه تنظیم خانواده قرار دهد تا از تولید یک میلیون مولود ناخواسته در طول این برنامه جلوگیری کند. از این دیدگاه، اولویت با آن قسم از نواحی و مناطق جغرافیایی و قشرهای اجتماعی کشور خواهد بود که از باروری ناخواسته و غالباً در حد بیولوژیک، زیان های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیشتری دیده اند.

در حالی که هدف برنامه اول توسعه، دستیابی به نرخ رشد جمعیت ۳/۲ درصدی در پایان سال ۱۳۹۰ بود، آمارگیری جاری جمعیت در سال ۱۳۷۰ نرخ رشد جمعیت را ۵/۲ درصد نشان داد. در سرشماری سال ۱۳۷۵، به ۴۷/۱ درصد و در سرشماری سال ۱۳۸۵، با اندکی افزایش به ۶۲/۱ درصد و در سرشماری سال ۱۳۹۰ با کاهشی آشکار به ۲۹/۱ درصد رسید.

آمار نشان می دهد «بعد خانوار» که در سال ۱۳۶۵ برابر ۱/۵ نفر و در سال ۱۳۷۰ برابر ۲/۵ نفر بوده، در سال ۱۳۷۵ به ۸/۴ نفر و در سال ۱۳۸۵ به ۴ نفر و در سال ۱۳۹۰ به ۵/۳ نفر کاهش یافته است. همچنین، در سال ۱۳۸۵ تعداد خانواده های چهارنفره برتری داشته است؛ اما در سال ۱۳۹۰، تعداد خانواده های سه نفره روبه رشد می رود و افزایش چشمگیری در تعداد خانواده های دونفره

از سال ۱۳۸۸ و پس از انتشار دورنماهای جمعیتی سازمان ملل متحد، نگرانی‌ها میان کارشناسان و مدیران کشور گسترش یافت و رهنمودهای رهبر معظم انقلاب در سه سال گذشته، سبب شد نهادهای

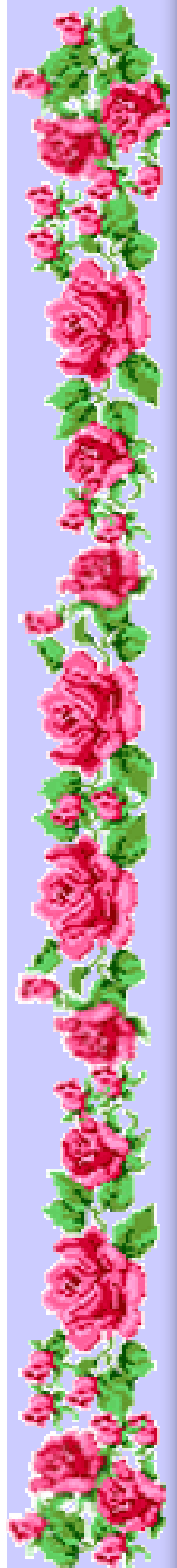


رسمی نظام، تلاش‌هایی در این باره آغاز کنند.

«شورای عالی انقلاب فرهنگی» در خردادماه ۱۳۹۱ مصوبه «راهبردها و اقدامات ملی مربوط به جلوگیری از کاهش نرخ باروری و ارتقای آن متناسب با آموزه‌های اسلامی و اقتضائات راهبردی کشور» را تصویب کرد. در ماده دوم که درباره «راهبردهای ملی» است، فرهنگ سازی، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌ها و قوانین و مقررات حمایتی و تشویقی، تدوین و ترویج الگوی سبک زندگی متناسب با معیارهای اسلامی، ایجاد و استقرار نظام مدیریت فرابخشی و جامع جمعیت، آمایش مستمر جمعیتی و تدوین سیاست‌های مهاجرتی و اهتمام به ارتقای کیفی جمعیت از طریق متناسب سازی نرخ باروری خانواده‌ها با شرایط و اقتضائات سلامت و معیشت و فرهنگ آنان، آورده شده است.

ماده سوم آن مصوبه، «اقدامات ملی» برای تحقق راهبردهای پیش گفته را بیان می‌کند که تهیه طرح جامع تولید و اجرای انواع برنامه‌های آموزشی و پژوهشی و اطلاع‌رسانی، تبیین نظریه جمعیتی اسلام، برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی برای تسهیل ازدواج و مواردی دیگر را دربرمی‌گیرد.

البته در میان اقدامات پیش‌بینی شده به مواقعی برمی‌خوریم که خروج موضوعی از حوزه سیاست‌گذاری و ورود به حوزه تقنین و برنامه‌ریزی است که بیرون از وظایف شورای عالی انقلاب فرهنگی به نظر

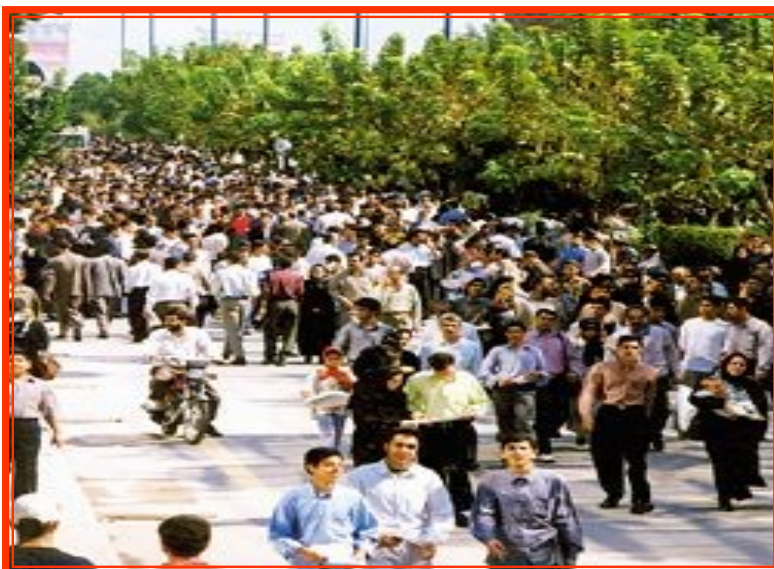


اول: در نگاه نخست، مسئولیت کاهش جمعیت متوجه برنامه‌های جمعیتی و سیاست‌هایی می‌شود که از پایان دهه ۱۳۶۰ با نقش محوری وزارت بهداشت اجرا شد؛ اما آمار نشان می‌دهد در این باره نباید زیاده‌روی کرد.



روند رشد جمعیت که از دهه ۱۳۴۰ کاهش را نشان می‌داد، در سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۸ بر اثر رویدادهای انقلاب اسلامی اندکی افزایش یافت و سپس تا سال ۱۳۶۳ روند کم‌وبیش ثابتی را پشت‌سر گذاشت و از سال ۱۳۶۳ روند کاهشی آن دوباره آغاز شد و «نرخ باروری کلی» از ۹/۶ فرزند در این سال، به ۵/۵ فرزند در سال ۱۳۶۷ رسید که پیش از اجرای برنامه اول توسعه بود. تحولات جمعیتی سال ۱۳۶۳ به بعد را می‌توان با آن دسته از تحولات فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی توضیح داد که پیش از اجرای برنامه‌های رسمی توسعه آغاز شده بودند که بی‌گمان، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه نیز روند آن را شتاب بخشیده‌اند.

دوم: موفقیت نسبی در اصلاح سیاست‌های جمعیتی، وابسته به درگیر شدن جامعه علمی کشور با موضوع جمعیت و بررسی ابعاد آن به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای و دستیابی به هم‌اندیشی نسبی میان کارشناسان و مدیران است که تاکنون به دست نیامده است!



همه مصائب تک بودن

تا چند دهه گذشته واژه ای به نام تک فرزندی معنا نداشت. یعنی دلیلی وجود نداشت که خانواده ها خود را از لذت داشتن چندین فرزند محروم کنند، اما طی دو دهه اخیر مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شرایطی را به زوج هایی که خیلی از ایشان در سن بالایی نیز ازدواج کرده اند، تحمیل کرده است که فقط به داشتن یک فرزند در زندگی خود بسنده کنند.

با این حال والدینی که فقط یک فرزند دارند، همیشه خود را برای تنها ماندن فرزندشان ملامت می کنند و نمی توانند خود را راضی کنند که با وجود توجه، عشق و علاقه ای که معطوف به فرزندشان می کنند، این تنهایی برای او خوب باشد.

گرچه روان شناسان اتفاق نظر دارند که تک فرزندی معایب زیادی نسبت به چند فرزندی دارد، اما منکر آن هم نیستند که تک فرزندی مزایایی نیز دارد. چرا که والدین مجبور نیستند محبت و توجه خود را میان چند فرزند تقسیم کنند و تمام توان عاطفی و امکانات مالی خود را معطوف به تنها فرزندشان می کنند، اما مساله اینجاست که رقیب نداشتن در جلب توجه و محبت والدین روی دیگری نیز دارد. یعنی با وجود آن که شدت اعتماد به نفس فرزند خانواده را تقویت می کند، نسل برآمده از این خانواده ها به سمت انزوا و تنهایی سوق می دهد. حال شاید بپرسید که آیا تک فرزندها لزوما منزوی می شوند؟

یکی از مهم ترین پیامدهای تک فرزندی در بسیاری موارد، کاهش رشد اجتماعی کودک است. در خانواده های تک فرزند، ضعف در تعاملات اجتماعی با همسالان، به دلیل ارتباط کودک با افراد بالغ دیده می شود. از این رو کودکان تک فرزند، اغلب از برقراری ارتباط با همسالانشان دچار ترس و اضطراب می شوند و گرایش به انزوا و درونگرایی پیدا می کنند.

تقویت ارتباط با همسالان

تک فرزندان کسی را ندارند تا با او رقابت، بازی و دعوای کودکانه کنند و از آنجا که در خانواده ای رشد می کنند که افراد بالغ در آن حضور دارند و کودک دیگری نیست که بتوانند با او ارتباط برقرار کنند غالباً رفتاری را بروز می دهند که یا به شیوه بزرگسالان است یا همواره خود را کودک فرض می کنند و رفتارهای اجتماعی ضعیفی از خود بروز می دهند.



روان شناسان نیز به والدینی که فقط یک فرزند دارند، بهره گیری از روش هایی برای تقویت ارتباط فرزندشان با دیگر همسالان توصیه می کند: در چنین شرایطی والدین باید به فرزندانشان بیاموزند که با صراحت و اطمینان، هنگام بروز مشکل و اختلاف با همسالانشان رو به رو شوند و همچنین از حمایت های افراطی خود بکاهند و اجازه دهند کودک، حس رقابت را تجربه کند و فرصتی برای مدیریت و کنترل این حس داشته باشد. اگر روش تربیتی خانواده به گونه ای باشد که فرزند خود را وابسته نگه دارد و اجازه انجام امور مختلف را به او ندهند باعث می شود کودک با اعتماد به نفس کمتری به کارهای خود رسیدگی کند و بیشتر متکی به خانواده باشد، اما اگر رفتار خانواده متناسب باشد و در صورت لزوم مسئولیت هایی به فرزند بدهد، باعث می شود وی بتواند از پس کارهای خود بهتر بر بیاید.

کودکانی به ظاهر اجتماعی

تک فرزندها در خیلی از موارد، اجتماعی، مستقل و متکی به نفس به نظر می رسند، اما استقلال عمل شان در مواجهه با بزرگسالان خانواده شکل گرفته که معمولاً در قبال خواسته های آنان کوتاه آمده اند. گرچه کودکان تک فرزند اجتماعی تر از دیگر کودکان به نظر می رسند، اما به دلیل احساسات ناپخته ای که در آنها شکل می گیرد، احتمال دارد تمایل به برقراری ارتباط با کودکان بزرگ تر از خود را داشته باشند و از همسالان خود خجالت بکشند. لذا برای جلوگیری از این پدیده به والدین توصیه می شود: شرایطی را برای فرزندان مهیا سازند که ارتباط آنها با همسالانشان بیشتر شود تا به بلوغ و عاقلانه شدن احساساتشان منجر شود. فرستادن بچه به مهد کودک نیز می تواند بسیار کمک کننده باشد، چرا که مهد کودک و آمادگی مکانی است که در آن کودک می تواند احساسات نابهنجار را در بازی با کودکان هم سن و سال خود تجربه و احساسات خود را عاقلانه کند.



تعدیل انحصارطلبی تک فرزندان

دیگر از مشکلات تک فرزندان توجه طلبی و انحصارطلبی آنهاست. غالباً آنها به سمتی حرکت می کنند که نشان دهند حرف خودشان باید به کرسی بنشیند و چون فرزند دیگری وجود ندارد که بر سر شراکت قدرت با هم رشد کنند و مراوده داشته باشند، حق خود می دانند حرف هایشان مورد پذیرش کامل اطرافیان قرار گیرد و چنانچه خلاف آن اتفاق بیفتد، حتی ممکن است رفتارهای پرخاشگرانه از خود بروز دهند.

برای تعدیل حس انحصارطلبی تک فرزندان توصیه می شود: کودک تک فرزند باید در مراودات اجتماعی بیشتری با گروه همسالان خود قرار بگیرد تا از این طریق تعامل را بیاموزد. لازم است کودکان تک فرزند در فعالیت های اشتراکی از قبیل باشگاه ورزشی، مهد کودک و کلاس های گروهی نیز شرکت کنند. یکی دیگر از راهکارها این است که خانواده های تک فرزند با خانواده هایی رفت و آمد کنند که فرزندان هم سن و سال داشته باشند و بتوانند جمعی دوستانه فراهم کنند که خانواده ها براحتی با یکدیگر مراوده داشته باشند.

مشاهده دنیا از پشت عینک بزرگسالی

از آنجا که کودکان تک فرزند در خانواده هایی رشد می کنند که در آنها فقط افراد بالغ وجود دارد آنها نیز از والدین خود تقلید و همچون بزرگسالان رفتار می کنند و زودتر از همسالان غیر تک فرزند، وارد دنیای بالغان می شوند. برخی کودکان تک فرزند، به دلیل زندگی در یک محیط بزرگسال از لحاظ روحی و روانی بسیار سریع تر رشد می کنند و دنیا را از دید بزرگسالان می بینند. به گفته روان شناسان، راهکار موثر برای کاهش این پدیده، فراهم آوردن شرایطی است که کودک در محیط همسالان خود قرار گیرد تا تجربه رفتارهای خاص گروه سنی اش را به دست آورد.

حساسیت والدین افزایش می یابد

اما چرا والدینی که فقط یک فرزند دارند نسبت به تمام امور فرزندشان حساسیت و نگرانی بیشتری بروز می دهند؟ حتی در بسیاری موارد به نظر می رسد حساسیت فراوان والدین درباره رفتار و گفتار فرزندشان او را به رفتار و گفتاری نامطلوب می کشاند و به اصطلاح «لوس» می کند. درباره علت بروز این حساسیت ها باید گفت: خانواده هایی که تک فرزند دارند چون تجربه ای از داشتن فرزند نداشته اند، در قبال هر ناکامی و اتفاقی بسرعت برآشفته می شوند و رفتارهای وسواس گونه و اضطراب زا از خود بروز می دهند و ممکن است براحتی خونسردی خود را از دست بدهند.



آنها غالبا حتی در زمینه سلامت جسمانی فرزند خود نیز دیدگاه کمال طلبانه دارند و چون تجربه ای ندارند، انتظار دارند همه چیز درست و کامل پیش برود. این حساسیت ها تا آنجا پیش می رود که فرزندان این خانواده ها احساس می کنند افراد مهمی هستند و این موضوع ممکن است به مرور زمان، خانواده را فرزند سالار کند.



در مقابل خواسته هایش تسلیم نشوید

در بسیاری موارد، والدین تک فرزند، به دلیل حمایت و توجه بیش از حد به فرزندشان، با او مخالفت نمی کنند و همواره تسلیم خواسته های او و مانع از ناراحت شدن وی می شوند؛ این امر باعث می شود او به فردی ضعیف و کم تحمل تبدیل و با روحیه حساس و شکننده ای تربیت شود و در رویارویی با مشکلات از مهارت های لازم برخوردار نباشد. به همین علت روان شناسان تاکید می کنند اگر والدین اجازه ندهند فرزندشان با احساسات سخت و ناراحت کننده روبه رو شود، آنها قادر نخواهند بود مسئولیت عمل خود را بپذیرند. والدینی که فقط یک فرزند دارند باید بدانند این که تمام نیازهای فرزندان بلافاصله و در کامل ترین شکل مرتفع شود و این که آنها هرگز با میزانی از ناکامی های کوچک روبه رو نشوند، آنها را در محیطی غیرواقعی و خارج از شکل زندگی واقعی پرورش می دهند. لذا به خانواده های تک فرزند هشدار داده می شود: خطری که تک فرزندان را تهدید می کند آن است که هنگام بزرگسالی و وقتی که بناچار، از حمایت های کمتر محیطی بهره مند می شوند، دچار ناامیدی می شوند و جامعه و محیط بیرونی را برای خود تهدیدکننده و ناکام کننده می یابند که اینها همه ریشه در توجه و حساسیت بیش از حد والدین دارد.

معرفی کتاب: «حقوق و وظایف متقابل شهروندان و دولتمردان»

«حقوق و وظایف متقابل شهروندان و دولتمردان» در نظام سیاسی اسلام، جایگاهی خطیر و اهمیتی فراوان دارد. بهترین گواه این مدعا، اهتمام رسول مکرم اسلام (ص) و امیرمؤمنان علی (ع) به این مقوله در نامه ها و سخنرانی ها برای آگاه کردن مردم و دولتمردان از حقوق و وظایف شان است.

این اثر، تلاشی مختصر در این باره است. با این توضیح که نویسنده، به این رهنمود رهبر فرزانه انقلاب، ایمان دارد که امروزه پژوهش در این عرصه باید با «پیش فرض حقانیت نظام اسلامی» انجام گیرد نه «پیش فرض تفکرات رایج غرب».

تبیین حقوق و وظایف شهروندان و دولتمردان در جامعه اسلامی، از یک سو، برجستگی های این مکتب الهی - سیاسی را در مقایسه با مکاتب بشری نشان می دهد و از سوی دیگر، زمینه آشنایی هر چه بیش تر مردم و مسؤولان را با حقوق و وظایف شان فراهم می سازد.

این اثر، علاوه بر مقدمه و خاتمه، در دو دفتر تنظیم شده است: دفتر نخست، عهده دار تبیین حقوق و وظایف شهروندان است. و دفتر دوم، به تشریح حقوق و وظایف دولتمردان می پردازد.

از آن جا که در نظام سیاسی اسلام، حقوق شهروندان، بیش از حقوق دولتمردان است و طبعاً وظایف دولتمردان، سنگین تر از وظایف شهروندان، از این رو بحث را از حقوق شهروندان آغاز کردیم.

سید جواد ورعی



آدرس وبلاگ گروه مطالعات اجتماعی منطقه ۴
Motaleat4.blog.ir
آدرس پست الکترونیک :
motaleat4@chmail.ir

روز حضور سرگروه آموزشی
مطالعات اجتماعی منطقه ۴
شنبه : ساعت ۸-۱۴

آدرس پستی : میدان رسالت - خیابان هنگام - جنب شهرداری
منطقه ۴ - خیابان طاهرخانی - خیابان بوعلی - انتهای بوعلی
- مرکز آموزش نیروی انسانی باقرالعلوم - طبقه سوم - گروههای
آموزشی منطقه ۴. تلفن : ۷۷۲۱۲۰۰۰

همکاران محترم

می توانند مطالب خود را جهت درج در گاهنامه به صورت تایپ شده به پست

الکترونیک گروه آموزشی مطالعات اجتماعی (motaleat4@chmail.ir) ارسال

نمایید . شماره بعدی گاهنامه در اسفند ماه تهیه و به مدارس ارسال خواهی شد .